

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

حزب کار ایران (توفان)

۰۵ اپریل ۲۰۱۴

## به مرگ بگیر تا به تب راضی شود

رژیم جمهوری اسلامی به مرگ می گیرد که مردم به تب راضی شوند. این رژیم همین کار را از بدو روی کار آمدنش انجام داده است. در زمان جنگ و حتی بعد از آن با احتکار ارزاق عمومی و پخش آن در هنگام نماز جمعه، مردم را عادت می داد که برای تهیه این نیازمندیهای ابتدائی خویش در نزدیکی جمع نماز گزاران برای تبلیغ به نفع رژیم حاضر شوند. آنها با قطع ارزاق عمومی و تهیه سخت آن و به صف کردن مردم برای ساعتهای مدید، به پخش کالاهای بنجل در حجم کم که به نسبت نیاز خانواده ها نبود می پرداختند تا هر کس همیشه با دست در دهان زندگی کند. به مرگ گرفتن تا به تب راضی شویم از سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی از بدو پیدایش آن بود. کمیته های امدادی امام این وظایف را به بهترین وجهی به پیش می بردند. شما با این وضع در مورد دارو و سایر مایحتاج زندگی روبه رو هستید. خوشحالید که تازه به همین بخت ناچیز دست یافته اید. پیش خود می گفتید کسانی همیشه هستند که این بخت را نیز ندارند. همیشه بخشی از جامعه در فلاکت به سر می برد که وضع غیر انسانی آنها را برای ایجاد ترس در جامعه به شما نشان می دهند و هشدار می دهند که خوشحال باشید که وضع شما مثل آنها نیست. این سیاست تهدید و نان قندی و شلاق، در تمام زمینه ها اعمال می شود و برای شما این پرسش را طرح و به شما تلقین می کنند که آیا بهتر بود امریکائی ها به ایران حمله می کردند یا این که ما به معاهده ژنیو برای خسارت کمتر تن در می دادیم؟ بهتر بود که ما در محاصره اقتصادی بودیم، یا به هر قیمتی امکان ادامه زندگی پیدا می کردیم؟ بهتر بود نوکر باشیم و زنده بمانیم و یا در گور باشیم و نوکری نکرده باشیم؟

این منطقی است که رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیستها به ملتها به ذهن آنها وارد می کنند تا به ذخایر و ثروتهای آنها با تهدید و ارباب و تجاوز دست پیدا کنند. آنها با این روش تبلیغاتی و ذهن زدائی غرور ملتها را پامال کرده زمینه را برای غارت آنها فراهم می سازند. آنها کشورها و ملتها را به فقر و بدبختی سوق می دهند که در آن دریای فاجعه فلاکت و گرسنگی، دستیابی به پر کاهی برای آنها، نشانه نجات زندگی باشد و این وضعیت برزخی میان مرگ و زندگی چنان مستقر خواهد شد که هر خفتی پذیرفته شود.

نازی ها برای کشتن یهودیان و شکستن مقاومت آنها و پروراندن امید واهی در دلشان، در اردوگاههای مرگ به آنها بازوبند با رنگهای گوناگون می دادند. این تصور واهی در یهودیان و سایر اسراء ایجاد می شد که هدف از این کار صرفاً کشتن بخشی از آنهاست و نه همه آنها. این روحیه به آنجا منجر می شد که وحدت در مقاومت شکسته شود و هر دسته گلیم خویش را از آب بیرون بکشد. وقتی افراد با بازوبندهای سرخ رنگ را برای کشتن می بردند سایرین خوشحال بودند که رنگ سرخ به آنها نیفتاده است. وقتی اسراء با بازوبندهای زرد رنگ را برای کشتار می برند

سبزرنگان در رؤیای رهائی و خوشبختی خود غلط می زدند و وقتی نوبت سبزرنگان می شد تازه به این مانور نازی ها پی می بردند که دیگر بی فایده بود. همین روش را دولت خمینی در سرکوب نیروهای انقلابی به یاری حزب توده و سازمان فدائیان اکثریت اعمال کرد و نتایج فاجعه در مقابل ماست.

سلطه گران انسانها را به فرومایه بدل می کنند، قناعت به پستی ها، حداقلها به عنوان سیاست و فضیلت برای ادامه بقاء در نهاد آنها ظهور می کند. از آنها انسانهایی می سازند که به دور، به آینده، به فردا به روشنائی نمی اندیشند و همواره نظر به عقب دارند و از این که تاریکی آنها، از تاریکی عقب افتاده تر ها کم رنگتر است، از این که ذلت آنها از ذلت پاره دیگری کمتر است، مسروراند و آن را "پیروزی و رهائی" خود تلقی می کنند. آنها میان وبا و طاعون، در پی جذام اند که عمرشان را طولانی تر می کند و نه در پی درمان و نابودی بیمارهای گوناگون. آنها برای زنده ماندن حاضراند گور خود را بکنند و در آن شب و روز بگذرانند.

آنها حاضراند روحانی را به احمدی نژاد ترجیح دهند و اواما را به نتانیا هو. آنها فاقد اراده مبارزه و روحیه قدرتمند برای یک برپائی یک زندگی انسانی هستند. آنها برای پذیرش خفت و خواری همواره از جیبشان تئوری می سازند و در می آورند و روزی که مأمور بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در خانه آنها را زد و از رفتن آنها به دستشویی جلوگیری و قبض گران قیمت تخلیه معده را به دستشان داد، مسروراند که خدا را شکر هنوز حق تخلیه معده را از ما نگرفته اند. در چنین وضع سامان داده روانی-اجتماعی، بدترین شرایط تحمیلی و ذلت آور به یکباره شرایط "آزادبخش و شمع از آسایش نسبی" تعریف می شود. طبیعتاً چنین جامعه ای بیمار است. چنین انسانهایی نه تنها از نظر جسمی از نظر ذهنی نیز بیماراند. چنین جامعه ای به هر خفتی تن در می دهد.

نقل است که کفن دزدی، در شب اول قبر گور مرده ها را باز می کرد و کفنشان را می دزدید. مردم از دست وی ذله بودند. وقتی کفن دزد در گذشت و مردم از دست وی راحت شدند، کفن دزد جدیدی پیدا شد، که نه تنها کفن مردگان را، با نبش قبر می دزدید، بلکه چوبی هم به مقعد مردگان فرو می کرد. به تدریج مردم به ستایش کفن دزد اولی و آمرزیدن روح وی پرداختند که حداقل از فروکردن چوب به مقعد مردگان پرهیز می کرد. این همان سیاست به مرگ بگیر تا به تب راضی شوند، می باشد.

جامعه ای که مشکلش از قله مرتفع کسب استقلال و آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی برای کشور و مردم میهنش، به دعوا بر سر نوع حجاب رسیده باشد و اوج آمالش را در احساس امنیت از عدم حضور نمایندگان امر به معروف و نهی از منکر در مجامع عمومی بیان کند، این جامعه بیمار است و بیماری را آن کسانی به این جامعه تجویز کرده اند، که منافع دارند تا مردم بر مسایل عمده و سرنوشت ساز چشم ببوشند و مسایل بی اهمیت ناچیز را آن چنان عمده کنند تا خروج کشتی نفت و اورانیوم ایران را کسی نبیند و تحت الشعاع مسایلی قرار گیرد که حل آنها در گرو حل مسایل مهمتری است.

امپریالیستها با دست بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در ایران سیاستی را تجویز می کنند که همه مردم با تهدید به مرگ محاصره اقتصادی و جنگ و تروریسم، به تب تسلیم و ورود کالاهای غیر ضروری و ضروری راضی باشند. آنها که به تب راضی نباشند به مرگ گرفتار می آیند تا سایرین از این مخالفت درس عبرت بگیرند و دست از پا خطا نکنند. هم اکنون رفع تحریمهای مرگ آور را با تب حضور سرمایه های خارجی به ایران توجیه می کنند و این موجب می شود تا مردم ایران نادانسته و ناخواسته بر دستاوردهای انقلاب چشم ببوشند و همین قانون اساسی کنونی جمهوری اسلامی را چنان دستمالی کنند که به قانون اساسی شاهنشاهی بدل گردد تا یک فرد خودکامه اراده خویش را بر کل جامعه تحمیل کند. امپریالیسم در همه جهان بر همین منوال رفتار می کند. در همه جا با داس مرگ و تخریب و آشوب و مشوب کردن افکار و تروریسم وارد میدان می گردد. عمالش را در همه زمینه ها برای خرابکاری تربیت کرده است.

در مورد ایران نیز همین کار را کرده و مشتکی ایرانی خودفروخته را برای کسب قدرت سیاسی در لباسهای "کمونیست"، "فمینیست"، "دموکرات"، "حامی حقوق بشر"، "تجزیه طلب ناسیونال شونیسم" و... پروار کرده و آماده گسیل به ایران نموده است. آنها باید راه ورود سرمایه گذاری های خارجی و "جامعه مدنی" و "جامعه آزاد" و سرمایه گذاری های خصوصی امپریالیستی و حراج منابع ملی ایران را، با **خصوصی سازی** آنها، به عنوان "**آزادی فرد**" و... فراهم آورند. سیاستهای تنبیهی و جنایتکارانه امپریالیستها برای تخریب اوضاع یک کشور مانند آنچه در عراق گذشت و یا به کئریای شمالی و ایران تحمیل می شود و یا در اوکراین و ونزوئلا ادامه دارد و یا به سرنوشت سوریه و لیبیا بدل می شود، همه و همه همان سیاست به مرگ گرفتن برای ایجاد افکار عمومی برای تسلیم شدن است. با این سیاست فقط حزب واحد طبقه کارگر یعنی حزب مارکسیستی لنینیستی می تواند مبارزه کند. رهبری مبارزه دموکراتیک، مبارزه برای استقلال و آزادی، مبارزه برای عدالت و رفاه اجتماعی تنها زمانی موفق است که با مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم تلفیق شود. در غیر این صورت دست ایرانی های خودفروخته و پروار شده امپریالیستها باز است تا مبارزه مردم را در منجنیق فشار امپریالیستی به شکست و اسارت ایران بکشانند.

**بر گرفته از توفان شماره ۱۶۹ فروردین ماه [حمل] ۱۳۹۳ ایریل سال ۲۰۱۴، ارگان مرکزی حزب کار**

**ایران(توفان)**

**صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت**

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)

**نشانی پست الکترونیک(ایمیل)**

[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

<http://rahatoufan67.blogspot.se/>

<http://kanonezi.blogspot.se/>

<http://www.kargareagah.blogspot.se/>

**سایت کتابخانه اینترنتی توفان**

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

**سایت آرشیو نشریات توفان**

[http://toufan.org/nashrie\\_tofan%20archive.htm](http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm)

**توفان در توییتر**

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

**توفان در فیسبوک**

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

**توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی**

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>